



صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ

نقره‌آبی

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و  
 ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

[www.mirasmaktoob.ir](http://www.mirasmaktoob.ir)

[gozaresh@mirasmaktoob.ir](mailto:gozaresh@mirasmaktoob.ir)

بها: ۲۵۰.۰۰۰ ریال

روی جلد: یکی از صفحات مذهب قرآنی مملوکی

(جزء چهارم، گ ۲، نسخه ۱۴۶۴ کتابخانه چستربیتی،

تذهیب ابراهیم الأمدی)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

## فهرست

### سر سخن

وفیات الاعیان ..... ۵-۳

### یادی از دو کدشتگان

- خدمات استاد احسان یارشاطر به معارف ایرانی و اسلامی / محمود امیدسالار ..... ۱۰-۶
- فهرست‌های شاهان هخامنشی در آثار بیرونی و ابن عبری / احسان یارشاطر: ترجمه: نیما جمالی ..... ۱۷-۱۱
- ایران‌شناسان و ایران‌دوستان غیرایرانی / احسان یارشاطر: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ..... ۳۶-۱۸
- استاد ژیلبر لازار (۱۹۲۰-۲۰۱۸) و تحقیقات او در زبان‌های ایرانی / علی‌اشرف صادقی ..... ۴۶-۳۷
- خاطراتی از استاد ژیلبر لازار، خدمتگزار راستین زبان فارسی / ژاله آموزگار ..... ۴۹-۴۷
- حکایتی به زبان فارسی محلی گیو (منطقه بیرجند) / ژیلبر لازار: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ..... ۵۷-۵۰
- ملاحظاتی در باب سبک ترجمه‌های کهن قرآن و کتاب مقدس / ژیلبر لازار: ترجمه: ستایش دشتی ..... ۶۱-۵۸
- شوقی شرقی در قلبی غربی: نگاهی کوتاه به زندگی، افکار و آثار لئونارد لویسن ایران‌شناس و مولاناپژوه  
 آمریکایی / مجدالدین کیوانی ..... ۶۹-۶۲
- مرگ تن هدیه‌ست بر اصحاب راز؛ یادمانده‌هایی از لئونارد لویسن / الوند بهاری ..... ۷۲-۷۰
- شرح حال و آثار محمد شیرین مغربی / لئونارد لویسن ..... ۸۰-۷۳

### جستار

- داغ باز آوردن؛ تصحیح یک رباعی سنایی / سید علی میرافضلی ..... ۸۳-۸۱
- خیام و ترجمه تعلیقات ابن سینا به پارسی / سید حسین موسویان ..... ۸۹-۸۴
- از لزومیات ابوالعلاء معری به انتخاب ابن السید بطلیبوسی / علیرضا ذکاوتی فراگوزلو ..... ۱۱۰-۹۰
- موقوفات محمودشاه مظفری بر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بر پایه سند مورخ ۷۴۸ق / عمادالدین  
 شیخ‌الحکمایی ..... ۱۱۸-۱۱۱
- آگاهی‌هایی تازه از زندگی نجم‌دایه در نسخه‌ای از تفسیرش، بحر الحقایق، با یادداشتی به خط خود او /  
 علی صفری آق‌قلعه ..... ۱۲۸-۱۱۹
- برگی از تاریخ ۳: سواد نامه امیرنظام به وکیل‌الملک حاکم کرمان و شکایت از یک کاتب و محرر /  
 محمدجواد جدی ..... ۱۳۱-۱۲۹

### نقد و بررسی

- مقالات احمد تفضلی / سید احمدرضا قائم‌مقامی ..... ۱۴۰-۱۳۲
- کتاب‌های اوستا: متون مقدس زرتشتیان / بهمن مرادیان ..... ۱۴۶-۱۴۱

### ایران در متون و منابع عثمانی (۱۸)

- آثار نوری ابراهیم / نصرالله صالحی ..... ۱۴۹-۱۴۷

## ملاحظات در باب سبک ترجمه‌های کهن قرآن و کتاب مقدس

ژیلبر لازار\*

ترجمه: ستایش دشتی

Setayesh.dashti96@gmail.com

آیه ۶ آن کسها که کافر شدند یکسانست بریشان گرییم کنی  
ایشان را یا نه بیم کنی ایشان را نه گروند

آیه ۷ مهر کرد خدای بر دلهاشان و بر گوشهاشان و بر  
چشمهاشان پوششی و ایشان را باشد عذابی بزرگ

آیه ۸ و از مردمان کس است که گوید بگرویدیم به خدای و  
به روز رستاخیز و نباش[ند] ایشان گرویدگان

آیه ۹ همی فریب نمایند خدای و آن کسها که بگرویدند و نه  
فریبند همی مگر تنها[ی] ایشان را و نه دانند

آیه ۱۰ اندر دلهاشان بیماری است بیفزودشان خدای بیماری  
و ایشان را باشد عذابی دردناک بدانچ بودند و دروغ  
همی داشتند

آیه ۱۱ و چون گویند ایشان را مکنید فساد اندر زمین گویند  
ما ایم مانیکوکاران

از دیدگاه قواعد زبان فارسی، این سطور پر از بی‌قاعدگی‌اند. ترتیب واژه‌ها بر اساس نحو عربی است، نه فارسی. با وجود اینکه در فارسی فعل عموماً در انتهای جمله می‌آید، در این عبارات گروه فعلی معمولاً در آغاز آمده است، برای مثال: مهر کرد خدای بر دلهاشان (آیه ۷)؛ مکنید فساد اندر زمین (آیه ۱۱). کاربرد «دلها» به صورت جمع (آیات ۷ و ۱۰) چندان طبیعی نیست، و کاربرد صورت جمع اسم‌هایی که مسند قرار گرفته‌اند («گرویدگان»، آیه ۸؛ «نیکوکاران»، آیه ۱۱) غریب‌تر هم هست. از سوی دیگر، کاربرد مفرد در «کس است که گوید» (آیه ۸) غیرطبیعی است.

گرفته‌برداری از عربی میتواند به پدید آمدن ساخت‌های شگفت‌آورتری هم بیانجامد. در آیه ۱۱، در عبارت «ما ایم مانیکوکاران»، تکرار نهاد ما در کلام غیرمکلف عجیب است. در آیه ۱۰، عبارت «بدانچه بودند و دروغ همی داشتند»، که ترجمه کلمه به کلمه «بما کانوا یکذبون» است، در فارسی به‌وضوح فهم‌ناشدنی است. همچنین در آیه ۹، نتیجه ترجمه تحت‌اللفظی «انفسهم» غلطی محض و ساده است: «نفرینند مگر تنها[ی] ایشان را»، که چیز زیادی از آن فهمیده نمی‌شود و ابداً نمی‌توان معنی «جز خودشان را فریب نمی‌دهند» از آن برداشت کرد. اینجا بایستی یا ضمیر انعکاسی خود یا خویشتن

سبک ترجمه‌های کهن قرآن به فارسی در نگاه اول غریب به نظر می‌رسد. احتمالاً جملات این ترجمه‌ها، برای کسی که متن اصلی عربی را پیش چشم یا در یاد نداشته باشد، چندان قابل فهم نخواهد بود.

نخستین ترجمه تاریخ‌دار، که اگر آنطور که گمان می‌رود قدیم‌ترین ترجمه نباشد دست‌کم از قدیم‌ترین‌هاست، ترجمه‌ای است که در زمان پادشاهی و به فرمان امیر سامانی، منصور بن نوح (۳۵۰-۳۶۵ هجری/ ۹۶۱-۹۷۶ میلادی)، انجام گرفته و روایت‌های متعددی، مقتبس از تفسیر طبری، به آن ضمیمه شده است. این اثر، که به نام «ترجمه تفسیر طبری» مشهور است، توسط حبیب یغمایی در تهران در ۱۳۳۹ ش/ ۱۹۶۰م تصحیح شده است. نسخه کتابخانه ملی فرانسه (Supp. pers. 1610) نگاشته شده میان ۶۰۶ و ۶۲۲ ه. جلد اول [از هفت جلد] آن را در بر دارد.

برای نمونه چند آیه از ابتدای سوره بقره را ملاحظه کنید. متن از نسخه پاریس نقل شده که متن آن اندکی کهنه‌تر و احتمالاً مضبوط‌تر از متن مصحح یغماییست<sup>۱</sup>:

\* این مقاله ترجمه‌ای است از:

LAZARD, Gilbert (1978). "Remarques sur le style des anciennes traductions persanes du Coran et de la Bible". *Bulletin d'Études Orientales*, XXX: pp. 45-49.

۱. برای نشان دادن عبارات فارسی از آوانگاری‌ای مطابق تلفظ امروز تهران پیروی شده است [صورت آوانگاری شده را با تصویر دستنویس مطابقت دادیم و اختلافات را برطرف ساختیم. مترجم].

ترجمه‌های «مجاور» را نمی‌پسندیدند، در حالی که حواشی فارسی قرآن قرار بوده به کمک استادان ایرانی بیاید تا به دانش‌آموزان معنی آیه‌هایی را که باید حفظ می‌کردند بفهمانند. در واقع همه ترجمه‌های کهن قرآن به فارسی زیرسطری نیستند. آثاری وجود دارند که در آنها متن قرآن به آیه‌ها یا حتی بخش‌های کوچک‌تری از آیه‌ها تقسیم شده است و پس از هر کدام از این بخش‌ها، ترجمه آن آمده است. در این مورد ترجمه می‌تواند کمی آزادتر باشد. این ترجمه‌ها گاه با تعبیرهای کوتاهی برای شفاف‌سازی آمیخته شده‌اند (در بعضی آثار، به‌ویژه آن‌ها که رنگ‌وبوی عرفانی دارند، این تعبیرها خود با تفاسیر توضیح‌دهنده یا حتی تأویلی همراهند). در این ترجمه‌ها کمتر از ترجمه‌های زیرسطری بر پیروی از متن اصلی تأکید شده است، با این حال، در نحو، بسیار از اصل عربی‌شان تأثیر پذیرفته‌اند.

برای مثال یکی از نسخه‌های استانبول را بررسی می‌کنیم که شامل بخشی از یک ترجمه قرآن بی‌تاریخ، اما قطعاً بسیار کهن است (۱۰/۵۴م یا ۱۱/۵۵م). این متن از آیه ۷۸ تا ۲۷۴ سوره دوم را در بر دارد.<sup>۱</sup> در اینجا ترجمه آیه ۷۹ را از ترجمه تفسیر طبری، نسخه استانبول، و (برای مقایسه) ترجمه‌ای مدرن و استاندارد از قرآن (که حدود ۱۹۵۰م از تهران خریداری شده است) به دست می‌دهیم. در کتاب اخیر، مقابل هر صفحه از متن عربی قرآن، ترجمه فارسی به صورت یک صفحه مستقل آمده است.<sup>۲</sup>

- ترجمه تفسیر طبری: وای بادا آن کس‌ها را که همی نیبند کتاب را به دست‌هاشان پس گویند این را از نزدیک خدای است تا بخریدند بدان بهای اندک وای بادا ایشان را از آنچه بنبشت دست‌هاشان و وای بادا ایشان را از آنچه همی سازند.

- نسخه استانبول<sup>۳</sup>: وای فرآن کس‌هایی از مهتران جهودان که همی نیبند توریت را به دست‌هاشان و همی پنهان کنند صفت پیغامبر را از وی بگردانند پس آن صفت گردانیده را گویند این از خدای آمدست تا بدان بدل گیرند سود زیان

۱. تصحیح محمد روشن، بخشی از تفسیری کهن، تهران ۱۳۵۱ش [بنیاد فرهنگ ایران، ۱۲۸].

۲. قرآن مجید، تهران، کتابفروشی اسلامیة، [بی‌تا].

۳. این متن صورت‌های گویشی پرشمار و جالبی را در بر دارد. در واژه‌هایی که فارسی کلاسیک «ب» دارد و اینجا «ف» آمده، منظور صامت سایشی لبی-دندانی واکدار است.

به کار می‌رفت، یا در دقیق‌ترین حالت به صورت «تنهای خویش را» می‌آمد.

این بی‌قاعدگی‌های زبانی که طیفی از عجیب بودن تا غلط دستوری (و حتی - اگر ترجمه را مستقل از متن بخوانیم - تا سوءتعبیر) را در بر می‌گیرد، پیامد روش مؤلف است که اصرار بر ترجمه کاملاً تحت‌اللفظی دارد؛ با همان ترتیب واژگانی عربی، کلمه به کلمه و حتی تکواژ به تکواژ. علت به‌کارگیری چنین روشی چیست؟ آیا علت اینکه لازم است در ترجمه متون مقدس کوچک‌ترین چیزی دگرگون نشود، ملاحظات دینی این دسته از متون است؟ ابداً.

مسلمانان هیچ‌گاه قصد نداشته‌اند کلام خدا را در زبانی جز زبان اصلی آن جاری سازند. بر خلاف مانویان (برای مثال)، مسلمانان هیچ‌گاه محتوای متن مقدس را مستقل از صورت آن نپنداشته‌اند. قرآن همواره به عربی نقل می‌شود و ترجمه‌های آن، فارسی یا غیرفارسی، هیچ‌گونه مرجعیتی ندارد.

علت آنکه مترجمان چنین روشی را در پیش گرفته‌اند دقیقاً در همین موضوع نهفته است. نسخه‌های ترجمه تفسیر طبری و بسیاری دیگر از ترجمه‌های قرآن به فارسی، به شکلی هستند که در ادامه شرح داده می‌شود:

متن عربی به‌دقت با خطی درشت و زیبا خطاطی شده است. ترجمه فارسی جز به شکل حاشیه‌های زیرسطری نشان داده نمی‌شود. هر کلمه (یا تکواژ) زیر معادل عربی آن قرار گرفته است، خط بسیار ریز، پیوسته و معمولاً شلخته است، نقطه‌ها اغلب گذاشته نمی‌شود و گاه غلط‌هایی وجود دارد.

این ترجمه برای اینکه به‌طور پیوسته خوانده شود نوشته نشده، بلکه برای این نوشته شده که به فهم متن عربی، یعنی تنها صورتی که ارزش خوانده شدن و قرائت شدن را دارد، کمک کند. این ترجمه چیزی جز رشته‌ای از حواشی که زیر متن عربی در پی هم می‌آیند نیست و مؤلف آن تقریباً هیچ گوشه چشمی به نحو فارسی نداشته است.

چنین ترجمه‌هایی در مجموع قابل مقایسه با ترجمه‌های موسوم به «مجاور خطی» [juxtalineaires] هستند، نوعی شیوه ترجمه که در گذشته دانش‌آموزان تنبل برای ترجمه از لاتینی آن را به کار می‌بردند. تنها تفاوت این است که استادان لاتینی

اندکی از این جهان از کهتران شان وای فر ایشان فر آنچه بنبیسند همی به دست‌هاشان وای فر ایشان بدانچه همی بلفنجد به سبب پنهان کردن نعت پیغامبر علیه السلام.

ترجمه تهران: پس وای بر آنها که علمای یهودانند و می‌نویسند کتاب تورات را به دست‌های خود هر طور که می‌خواهند تغییر و تبدیل می‌کنند بعد می‌گویند از جانب خدا نازل شده، برای بفروشد آنچه نوشته‌اند به قیمت کمی پس وای بر ایشان به جهت آن چیزهایی که به خلاف نوشت دست‌های ایشان وای بر ایشان از آنچه کسب می‌کنند.

همانطور که می‌بینید، از آنجا که ترجمه زیرسطری نیست، ناهمواری‌های کمتری دارد. با این وجود، هر چند زبان آن تا حدی مطابق نحو فارسی است، به جز اضافاتش، در قسمت‌های دیگر به اساس ترجمه تحت‌اللفظی و واژه به واژه وفادار مانده است؛ جمع‌های عربی به صورت جمع ترجمه شده‌اند (اینجا «دست‌ها») و مخصوصاً ترتیب واژه‌ها بر اساس ترتیب جمله در عربی است. این روش، که جزئی از سنت شده، تا امروز نیز پایدار مانده است.

مقایسه این ترجمه‌های قرآن به فارسی با ترجمه‌های نسبتاً کهن کتاب مقدس به فارسی جالب توجه است. یهودیان ایران از قرون ۱۲-۱۳ م یا حتی زودتر، دست به تفسیر کتاب مقدس به زبان خودشان یازیده بودند. قدیم‌ترین نسخه تاریخ‌دار نسخه‌ای از تورات به تاریخ ۱۳۱۹ م است که در بریتیش میوزیم نگهداری می‌شود، اما نسخه‌های دیگر از تورات محفوظ در کتابخانه واتیکان نیز قدمتی قابل مقایسه با نسخه اول دارد. هر دوی این نسخه‌ها را هربرت پیپر به چاپ رسانده است.<sup>۱</sup>

برای نمونه حرف‌نگاری آیه‌هایی از کتاب پیدایش (22-III) در متن فارسی-یهودی واتیکان و متن لندن را مشاهده کنید:

V. 22. wgwft xwd'y x'lq 'ynk 'dm bwd cwn yg'nh bg'wyd'n 'z 'wy bšn'xtn nyk wbd w'knwn t' nh by kšd dst 'wy wbst'nd 'nyz 'z drxt zndyg'ny wby xwurd wby zyhd bj'wyd'n || 23. wbfst'd 'wyr' xwd'y x'lq 'z bwst'n 'dn bwurz krđn mr

1. H. H. PAPER. *A Judeo-Persian Pentateuch, ... British Museum Ms. OR. 5446*. Jerusalem, 1972.

Idem. "The Vatican Judeo-Persian Pentateuch". *Acta Orientalia* No. 28 (1965): 263-240; No. 29 (1965-1966): 78-181, 253-310; No. 31 (1968): 55-113.

این ترجمه‌ها به زبان فارسی و به خط عبری‌اند.

'n zmy'n 'ncy 'frydh 'md 'z 'nj'y || 24. wbdw'r'nyd mr 'dm wmskn gry'nyd 'z mzrh bbwst'n 'dn mr 'n šwrth' wmr zb'nh šmšyr mqlwbh šww' bnygh d'stn mr r'h drxt zndyg'ny.

L. 22. wgwpt ywy 'lhym 'ynk 'dm [b]bwd yg'nhyy 'zwy bšn'ktn nyk wbd w'knwn nh b'yd [k]w bry'zd dsty 'wy wbst'nd hnyz 'z drkt 'n zndg'ny [w]bkurd wbyzhd bj'wyd || 23. wbyrwn r'nd 'wr' ywy 'lhym 'z bwst'n 'dn bbrz krđn 'zmr 'n zmy'n 'nc 'prydh 'md 'znj' || 24. wbdw'rnyd 'zmr 'dm wbnš'yndy 'z pyš bbwst'n 'dn 'zmr 'n krwbh' y'ny cyhrh' w'zmr zp'nhyy 'n šmšyr 'n zyr zbr šw' bng'h d'stn 'zmr r'h 'n drkt zndg'ny.

این ترجمه‌ها زیرسطری نیستند، اما مانند ترجمه‌های قرآن، از همان اصل ترجمه واژه به واژه در ازای غفلت از نحو فارسی پیروی می‌کنند. ترتیب واژه‌ها مانند متن‌های سامیست و فعل در ابتدای جمله قرار دارد، برای مثال (آیه ۲۳):

V wbfst'd 'wyr' xwd'y x'lq  
L wbyrwn r'nd 'wr' ywy 'lhym

این جمله در فارسی معمول باید با ترتیب عکس ادا می‌شود: و خدای خالق او (ی) را بفرستاد. تکواژها به صورت خودکار ترجمه شده‌اند، حتی در جاهایی که در جمله فارسی الزامی به وجودشان نیست. به همین ترتیب، حرف تعریف عبری به‌طور سیستماتیک به صفت اشاره فارسی آن ترجمه شده است. برابر حرف 'et' در واتیکان و لندن به ترتیب mr و 'zmr نهاده شده است. واضح است که این فرایند تصنعی است، زیرا در متن‌های آزادانه فارسی، «از مر» بسیار کمیاب است و «مر» تقریباً هیچ‌گاه بدون حرف «را» نمی‌آید. همچنین حرف ربط عبری به شکل خودکار در واتیکان به 'ncy و در لندن به 'nc ترجمه شده است، در حالی که آنچه معنی «کسی که، چیزی که» نمی‌دهد و به معنی «آنچه، آنکه» است، در آیه ۲۴، واتیکان 'mqlwbh šww' و لندن 'zyr zbr šw' دارد که در آن یک صفت مفعولی عبری از طریق صفت فاعلی šavā ترجمه شده است، اما که به شکل قاعده‌مند از ستام-šav / شدن مشتق شده است، اما کاملاً نامعمول است. اینجا نیز مسئله یک ترجمه مکانیکی است: صفت‌های مفعولی عبری به‌طور اتوماتیک به صفت‌های فاعلی [فارسی] مختوم به -ā ترجمه شده‌اند.

نهایتاً، در آیه ۲۲ که واتیکان 'by kšd dst 'wy و لندن bry'zd dsty 'wy دارد، دقیقاً همان اشتباهی را می‌بینیم که در ترجمه

فی نفسه یک متن نیست، بلکه تنها ابزاری برای آموزش یا برای کمک به حفظ و یادآوری است. اینکه هم یهودیان و هم مسلمانان از این روش استفاده کرده‌اند و هم برای انتقال عربی به فارسی و هم عبری به اسپانیایی از آن استفاده شده است، نشان می‌دهد که به‌کارگیری آن ارتباطی با زبان یا دین ندارد، بلکه نتیجهٔ اقتضائات مشابه عملی است. شرایط مشابه موجب پیامدهای مشابه می‌شود.

۱. قس.

H. V. SEPPIHA, "Problématique du judéo-espagnol", *Bulletin de la Societé de Linguistique de Paris*, 69. fasc. 1 (1974), 159-189.

و:

Idem. *Le Ladino (judéo-espagnol calque)*, Paris, Ed. Hispaniques, 1973.

که حاوی تحلیلی فاضلانه از این ترجمه‌های به «لادینو» [زبان اسپانیول-یهودی، مترجم] هستند. با این وجود، *langue-calque* برای چیزی که به هیچ وجه زبان شمرده نمی‌شود و بیشتر نوعی سبک است و با تسامح بسیار می‌توان آن را سبکی از زبان مادری مترجمان به شمار آورد، تعبیر مناسبی نیست.

تفسیر طبری دیده بودیم: کاربرد ضمیر غیرانعکاسی (y) موجب بدفهمی می‌شود. ترجمهٔ صحیح این است که از ضمیر انعکاسی استفاده شود، یعنی «دست خود/خویش».

روشن است که چنین ترجمه‌هایی قابل خواندن نیستند. این ترجمه‌ها برای خواندن نوشته نشده بودند، بلکه به‌عنوان کمک و راهنمای توضیح متن کتاب مقدس استفاده می‌شدند. واضح است که این سازوکار، دقیقاً همانند ترجمه‌های قرآن، ابزاری آموزشی بوده است. نیاز مشابهی مسلمانان و یهودیان ایرانی را به استفاده از روشی یکسان برای ترجمهٔ متون مقدّسشان واداشته است.

چنین پدیده‌ای منحصر به ایران نیست. یهودیان اسپانیایی نیز برای تفسیر کتاب مقدّس به گویش خود از همین روش بهره برده‌اند.<sup>۱</sup> اساس این پدیده همواره گزیده‌برداری کامل از متن اصلی است و نتیجهٔ آن نیز همواره متنی است که نه تنها مرجعیتی ندارد، بلکه استقلاللی هم ندارد؛ چیزی که حتی



ترجمه تفسیر طبری، کتابخانه ملی فرانسه، Supp. pers. 1610، بی تاریخ، کتابت میان ۶۰۶-۶۲۲ ق، گ. ۱۶.